

منحصر به فرد و شخصیتی قائم به ذات بودند. زمانی که نمونه‌هایی از کلام پیامبر (ص) را در هر موضوعی، مطالعه می‌کنیم و سپس، نمونه‌هایی از کلام علی (ع) را در مورد مطالعه قرار می‌دهیم، درمی‌یابیم که علی (ع) پس از فراگیری آنچه که پیامبر (ص) به او آموخته و او را مدد داده بود، از جانب خود و افکار خود، مطالبی به آن افزوده است.

مطالبی که قوه ذاتی و شخصیت منحصر به فرد او پرده از آن برداشته و وی را به کشف آن مطالب نایل ساخته است. خداوند سبحان، ایشان را به واسطه بسیاری از علوم، مختص کرده است و این در واقع، مصداق این سخن پیامبر (ص) است که: «به من جوامع سخن و به علی جوامع دانش و علم داده شده است» و با وجود اینکه امام علی (ع) نزدیک‌ترین فرد از لحاظ مشابهت و برابری با پیامبر (ص) است - چراکه از درخشش آن حضرت نکته‌ها فرا گرفته و در حقیقت نفع‌های از جلال و کمال پیامبر (ص) است - با این حال می‌بینیم که علم وافر و عمیق خود را برای ما منتشر می‌سازد؛ البته تا زمانی که پیش از ایشان پیامبر (ص) چنین تأثیری را بر روی ما نگذاشته باشند. گویا امام علی (ع) در مقایسه با علم پیامبر (ص) همچون چشمه‌ای است که آب اولیه‌اش را از مخزن پیامبر (ص) استمداد می‌کند و بعد آب گوارایی را که برای نوشندگان لذت‌بخش است، جاری می‌سازد... یا او در برابر نور پیامبر (ص) به شیشه چراغی می‌ماند که از نور و اندوخته آن چراغ بهره می‌گیرد و بعد

اشعه‌های تابنده را برای جهانیان منتشر می‌سازد. در واقع، برای چنین مطلبی تصویری صادقانه‌تر از این قول خداوند تعالی یافت نمی‌شود که در آیه نور فرمودند: «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او چون چراغدان است که چراغ در آن جای دارد و چراغ در شیشه است و شیشه گویا ستاره‌ای تابنده است.»^(۱)

مشکات همان نفس حضرت رسول (ص) است که قابلیت تامه‌ای در پذیرش نور الهی دارد. نوری که به صورت چراغی پرتوافکن به نورافشانی می‌پردازد. «چراغ در شیشه‌ای است»؛ یعنی این نوری را که پیامبر (ص) داراست، در علی به ودیعه نهاده است. بنابراین در یک شیشه نورانی بر مردم می‌تابد و پرتوافکنی می‌کند. پس امام علی (ع) همچون ستاره‌ای درخشان است که نورش را بر جهانیان می‌تاباند. و در تشبیهی دیگر از پیامبر (ص) آمده است که فرمودند: «من شهر علمم و علی دروازه آن. پس هر که بخواهد وارد شهر شود، باید از در بیاید.»^(۲) این تمثیلی جالب برای منزلت علمی امام علی (ع) است. ایشان در تمامی علوم دینی و غیردینی سرآمد و در قلّه افتخار بودند.

پس از این مطالب، عجیب به نظر نمی‌رسد که امام علی (ع) سخن را به آنجا برساند که بگوید:

«از من بپرسید قبل از آنکه مرا از دست بدهید. چرا که من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آگاه‌ترم...»^(۳)

شگفتا از کلمات موجزی که جوهری متعالی

و اندوخته‌ای فراوان از حقیقت را داراست!

این مطلب، علاوه بر اینکه گستردگی دانش حضرت علیه السلام را مشخص می‌سازد، نشان‌دهنده این است که علوم و دانش ایشان منحصر به علوم دینی و اجتماعی نبوده و بر علوم طبیعی و هستی‌شناسی نیز تواناییهایی دارد که این دانستیها گسترده بوده و عوامل طبیعی و راههای عروج به آسمان را نیز شامل می‌شود. همه اینها از معجزات خداوند متعال است که این معجزات، دین را به سمت معرفت خود و کشف اسرارش فرامی‌خواند.

«بگو در آسمانها و زمین بنگرید که چه چیزی وجود دارد.» (۴)

«به زودی آیات و نشانه‌های خود را در آفاق و در نفوس خودشان به آنها می‌نمایانیم تا برایشان روشن شود که آن حق است.» (۵)

از همین دریچه، سخنم را دربارهٔ نهج البلاغه آغاز می‌کنم که گذر روزگار چیزی جز تازگی و رفعت بدان نیفزوده است. از جملهٔ علوم این کتاب، علوم طبیعی و هستی‌شناسی است.

با ارائهٔ برخی نمونه‌ها از نهج البلاغه در زمینهٔ علوم طبیعی، مقداری از احاطهٔ این امام بزرگوار و نیز گوشه‌ای از عروجگاههای این کوه استوار را نشان خواهیم داد. منظور ما از علوم طبیعی، تمامی علوم است که طبیعت و هستی را مورد مطالعه قرار می‌دهند؛ نظیر ستاره‌شناسی، ریاضیات، فیزیک، شیمی و زمین‌شناسی و... است.

علم توحید و خداشناسی، دربردارندهٔ

همه علوم

بخش عظیمی از آنچه که امام علی (ع) در خطبه‌ها و رهنمودهایشان به آن پرداخته‌اند، همان علم الهی است که ما از آن به «علم توحید» تعبیر می‌کنیم؛ علمی که بسیاری از نعمتهای خداوند را عرضه می‌کند و صورتهای قدرت او را به شکلی افزون‌تر تبیین می‌نماید: از آغاز خلقت انسان، ملائکه و حیوانات، تا خلقت آسمانها و سیارگان و ستارگان و خورشید و ماه، و نیز خلقت زمین، کوهها، ابرها و باران‌ها.

سپس امام علیه السلام از بیان نهایت عالم پس از به پایان رساندن وظیفهٔ مقرر خود، و نیز تغییراتی که دستخوش آن می‌شود و اضمحلالی که آن را به سمت فنا می‌برد، غفلت نمی‌ورزد... همهٔ این مطالب با اسلوبی خارق‌العاده از بلاغتی نادر و فصاحتی منحصر به فرد همراه است. در این مجال اعتقادی، به بیان شواهد علمی متعلق به ستاره‌شناسی و زمین‌شناسی اکتفا خواهیم کرد.

ستاره‌شناسی

ستاره‌شناسی به بررسی و مطالعهٔ ستارگان، سیارگان و اجرام آسمانی اختصاص دارد و به ارتباط میان اشیاء مذکور می‌پردازد و ما از آن به عنوان «جاذبهٔ هستی» تعبیر می‌کنیم. امام علی (ع) این ارتباط را به همراه دیگر نشانه‌های قدرت خدا در دعای «صبح» به تصویر می‌کشد و می‌فرماید:

ای آنکه زبان صبح را به بیان تابناکش بیرون

آورد،

و پاره‌های شب تار را با تاریکیهای پراکنده
رها ساخت،

و آفرینش این فلک دوار را با اندازه‌های
برجهای آن، محکم و استوار ساخت!

امام علیؑ ثابت می‌کند که هر آنچه در
آسمانهاست - از سیارگان و ستارگان و اجرام - بر
طبق نظام افلاک و برجها می‌گردند و در
مسیرهای و مدارهای خود در قالب برجها و بر
طبق اندازه‌هایی استوار و نظمی دقیق که برای
آنها تعیین شده، باقی می‌مانند و اگر این نظام
لحظه‌ای از زمان مختل می‌شد، برخی از ستارگان
بر برخی دیگر سقوط کرده و از فلکهایشان فرود
می‌آمدند و به ویرانی و نابودی می‌انجامید. پاک
و منزّه است آن خدایی که آنها را استوار و
محکم و بدون ستون بر پای داشته و آنها را
پایدار و بدون تکیه‌گاه بالا برده است.

و اینک برخی اطلاعات اساسی در مورد
ترکیب هستی:

ستارگان در فضای هستی به شکل جزایری
بزرگ که کهکشان نامیده می‌شوند، پراکنده‌اند.
هر کهکشانی دارای میلیونها ستاره پراکنده است
که به تنهایی یا داخل یک مجموعه، قرار دارند و
همه آنها به دور یک محور مشترک تصویری که
همان محور کهکشان است، در حال چرخش
هستند.

پس از تحقیقات گسترده، دانشمندان موفق
به پیش‌بینی تعدادی از کهکشانها در درجه
 $10^9 \times 2$ کهکشان شدند. هر کهکشانی دارای

تعدادی از ستارگان است که در درجه 10^{11}
ستاره قرار دارند.

این کهکشانها با مسافتی بسیار دور از هم
فاصله دارند. مسافت متوسط میان دو کهکشان به
اندازه هزار سال نوری است (سال نوری همان
مسافتی است که نور در فضا در طی یک سال
کامل می‌پیماید و تقریباً برابر ۱۰ کیلومتر است).
و این مساحت متوسط، تقریباً با ده برابر قطر
یک کهکشان برابری می‌کند.

مجموعه شمسی ما، منسوب به کهکشان راه
شیری می‌باشد و نزدیک‌ترین کهکشان به
کهکشان ما «کهکشان ماژلان کوچک» می‌باشد
که ۱۴۵ هزار سال نوری از ما فاصله دارد.

کهکشان ما به شکل دایره‌ای بیضی شکل و
نسبتاً نازک است (به شکل دقت کنید)، قطر
بزرگ آن معادل $100/000$ سال نوری و قطر
کوچکش برابر با $30/000$ سال نوری است و این
دایره یا قرص، ضخامتی دارد که در مرکز به
 $15/000$ سال نوری می‌رسد و هر چه به سمت
اطراف کهکشان که خورشید ما و ستاره‌های آن
واقع شده، پیش می‌رویم، این ارتفاع و ضخامت
کمتر می‌شود. منظومه شمسی ما به مسافت
 $30/000$ سال نوری از مرکز کهکشان واقع شده
است و با سرعت ۲۶۰ کیلومتر بر ثانیه هر ۲۲۵
میلیون سال نوری یک دور کامل به دور
کهکشان می‌زند.

ستارگان، با نظم و ترتیبی خاص در داخل
کهکشان پراکنده نشده‌اند؛ بلکه در برخی
قسمتها به شکل ابر تراکم شده و نور کمی را به

وجود می‌آورند که به نام کهکشان راه شیری معروف است.

کهکشان ما شامل ستارگان درخشان و منظومه شمسی مان می‌باشد. دانشمندان پیش‌بینی می‌کنند که تعداد این مجموعه‌ها فقط در منطقه کهکشان راه شیری به بیش از یک میلیون مجموعه شمسی برسد. در این مجموعه‌ها ستارگانی با شرایط مشابه زمین ما وجود دارند که احتمال وجود زندگی انسانی یا غیرانسانی در آنها هست.

با وجود اینکه ستارگان این کهکشان به میزان همان سرعت زاویه حرکت نمی‌کنند، اما علی‌رغم تعداد زیادشان، هیچ ستاره‌ای با دیگری برخورد نمی‌کند و به خاطر این اعجاز فوق تصور است که خداوند سبحان به ستارگان و جایگاه‌های آنها در آسمان سوگند یاد کرده و می‌فرماید: «سوگند به جایگاه‌های ستارگان، که این سوگندی است که اگر بدانید، عظیم است.» (۶)

ستارگانی که بیننده از روی کره خاکی ناظر آنهاست، از ما بسیار دور هستند. نزدیک‌ترین ستاره به این مجموعه شمسی، آلفا سنتاوری است که حدود $4/3$ سال نوری از خورشید فاصله دارد. این در حالی است که دورترین جرم اطراف هستی که رصد آن با بزرگ‌ترین تلسکوپ‌ها امکانپذیر شده است، با فاصله 2×10^9 سال نوری واقع شده است. گاهی برخی از این ستارگان از جای خود محو می‌شوند؛ اما همواره حرکتشان به طرف زمین خواهد بود.

بیننده از روی زمین در مسیر کهکشان راه شیری حجمی فراوان و عظیم از ستارگان را مشاهده می‌کند که همان ستارگان کهکشان ما هستند. این در حالی است که اگر در مسیر مقابل به آسمان بنگریم، در واقع خارج از این کهکشان را مشاهده کرده‌ایم و در آنجا تعداد کمی ستاره را می‌بینیم که اغلب آنها از ستارگان کهکشانی دیگر هستند.

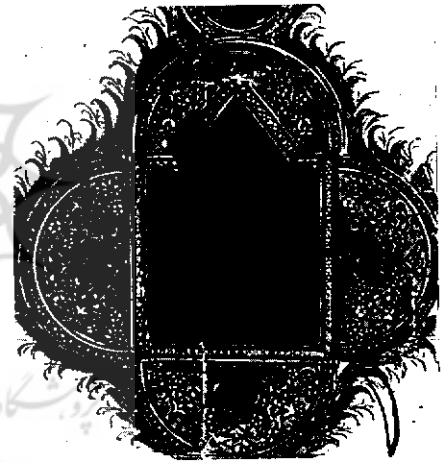
به عقیده من، همه کهکشانها و ستارگانی که از آنها سخن گفتیم، در آسمان اول قرار دارند؛ آسمانی که خداوند سبحان درباره آن می‌فرماید: «و در حقیقت، آسمان دنیا را به چراغهایی آراستیم.» (۷)

نظریه امتداد هستی

علم نوین اثبات کرده است که هر آنچه در هستی از ستارگان و کهکشانها موجود است، به طور همیشگی و با سرعتی فوق طبیعی از یکدیگر دور می‌شوند. و به همین خاطر بر حجم فضا افزوده می‌شود یا این فضا کشیده شده و امتداد می‌یابد. این سرعت امتداد از یک کهکشان به کهکشان دیگر، متفاوت است. هر زمان که این کهکشانها از یکدیگر دور می‌شوند، بر سرعتشان افزوده می‌شود. به عنوان مثال، مشاهده شده است که کهکشانهای نزدیک به کهکشان ما با سرعتی که تقریباً چند میلیون کیلومتر در ساعت تخمین زده شده، از یکدیگر دور می‌شوند؛ در حالی که کهکشانهایی که فاصله بیشتری نسبت به هم دارند، با سرعتی

افزون بر ۲۰۰ میلیون کیلومتر در ساعت از یکدیگر دور می‌شوند.

سرعت دور شدن کهکشانهایی که نسبت به کهکشان ما، فاصله‌ای چند برابر فاصله مسافت‌های ذکر شده، دارند به سرعت خود نور می‌رسد. این کهکشانشان در مرزهای فضا و هستی مرئی قابل تصوّرند. اما در مورد کهکشانهایی که مسافت آنها فراتر از این مرزها می‌رود، سرعت دور شدن آنها از ما، افزون بر سرعت نور است. به همین خاطر، در هیچ شرایطی، امکان رسیدن



نورهای ساطع از این ستارگان به زمین، ممکن نیست. چرا که سرعت امتداد و جابه‌جایی کهکشان در وضعیتی که دور از ما واقع شده، بیشتر از سرعت نوری است که به سمت ما در حرکت است. بنابراین، برای ما امکان‌پذیر نیست که این کهکشانشان را ببینیم، یا چیزی در مورد آنها بدانیم. به همین خاطر می‌گوییم که این کهکشانشان در «فضای نامرئی» واقع شده‌اند.

مسئله گستردگی و فراخی فضا، بزرگ‌ترین نتیجه‌ای است که نظریه معروف نسبیت را از آن

برداشت می‌کنند. این، خیالی نیست؛ بلکه با مشاهده و رصد هم محقق شده است و راهی برای بازگشت به جدال وجود ندارد. این مطلب، مصداق سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: «و آسمان را با قدرت بنا نهادیم و ما خود، توسعه‌دهنده آن هستیم»^(۸)

برجها

اما در مورد برجها، می‌دانیم که زمین به دور محوری مایل که از مرکز آن می‌گذرد، در چرخش است. بنابراین، اگر ما از مرکز زمین خطی عمود بر محور آن بکشیم، در واقع به منطقه استوایی دست می‌یابیم که بر سطح زمین با خط معروف استوا تعیین می‌شود و مرزبندی می‌گردد. این سطح استوایی، جایگاهی عظیم دارد. اگر این سطح را به نقاط مختلف فضا امتداد دهیم، درمی‌یابیم که در راستای این سطح، مجموعه‌هایی بزرگ از ستارگان وابسته به کهکشان ما واقع شده است. و چون از زمین و بر طبق این سطح و این خط (به آسمانها) بنگریم، درمی‌یابیم که تعداد گروههای ستارگان ۱۲ عدد است که ما آنها را «برج» می‌نامیم. این برجها بر طبق شکلی که ستارگان هر برج در آسمان ترسیم می‌کنند، نامگذاری شده است. نامهایی همانند حمل، اسد، عقرب، میزان، قوس، دلو و... کسی که این برجها را در خط استوا و در طول یک روز کامل رصد کند، ملاحظه می‌کند که این برجها بر فراز سر او، از شرق به سمت غرب در حال حرکتند و بر روی یک دایره در قالب سطح

استوایی پراکنده‌اند.

از آنجا که زمین در خلال چرخش خود به دور خورشید، موقعیت خود را نسبت به این برجها تغییر می‌دهد، هر ۳۰ روز در مقابل یکی از آنها قرار می‌گیرد، و از همینجا، ایده تقسیم سال شمسی به ماههای مساوی بر طبق تعداد این برجها پدید آمده است. بنابراین، اگر ما حرکت برجها را در وقتی معین که همان ساعت ۸ شب نیمه ماه است، زیر نظر بگیریم، درمی‌یابیم که در هر ماه یکی از این برجهای دوازده گانه بالای سر بیننده قرار می‌گیرد. این برجها از پی ماهها، یکی پس از دیگری می‌آیند. زمانی که یک سال شمسی گذشت، برج اول، دوباره بر سر بیننده قرار می‌گیرد. نامهای این برجها به ترتیب از ابتدای ماه ژانویه چنین است: برج جدی، دلو، حوت، حمل، ثور، جوزاء، سرطان، اسد، عذراء، میزان، عقرب، قوس.

آفرینش جهان هستی

از جمله مسائلی که در ستاره‌شناسی مورد اهتمام و توجه کلی قرار می‌گیرد، بحث درباره اصل پیدایش جهان هستی است؛ اینکه چگونه پدید آمده؟ و از چه چیز پدید آمده... دانشمندان، تعدادی فرضیه مطرح کرده‌اند که جدیدترین آنها، فرضیه ذیل است که سعی خواهیم کرد مقایسه‌ای بین این فرضیه و نظریه امام علی (ع) انجام دهیم:

ستاره‌شناسان درباره اصل پیدایش هستی

می‌گویند:

در ابتدا، مجموعه‌ای بود که «بلازما» نامیده می‌شد و از ذرات اولیه تک‌عنصری (Elementary particles) همچون پروتن، نرون، الکترون و لپتون تشکیل شده بود. این ذرات برخی به برخی دیگر پیوستند، بدون اینکه میان آنها، ابعاد قابل مشاهده‌ای باشد. سپس این مجموعه شروع به گسترش کرد. و برخی از این ذرات، از برخی دیگر فاصله گرفتند و انفجاری ناگهانی را شکل دادند که به پرتاب این ذرات به شکل خورده‌هایی که همراه اشعه‌های مختلف هسته‌ای و ۴۴۴ است، منجر می‌شود.

سپس این ذرات پراکنده شروع به جمع شدن بر طبق نظامی حیرت‌انگیز و نوین نمودند و عناصر شیمیایی را تشکیل دادند. اولین تشکل آنها، ساده‌ترین این عناصر، یعنی هیدروژن است. هیدروژن، از اتم پروتن تشکیل شده که به دور محور الکترون در گردش است. هیدروژن ماده‌ای اساسی در ساختار هستی به شمار می‌آید؛ چرا که بعداً تمامی عناصر دیگر - چه عناصر سبک و چه عناصر سنگین - از این عنصر تشکیل شدند، یعنی پیش از هلیوم و حتی اورانیوم. به همین خاطر، هیدروژن، پدر عناصر نامیده شده است. هیدروژن، همچنان تشکیل می‌شد، تا اینکه ابری رقیق که همه هستی را پوشانده بود، پدیدار گشت. این همان است که قرآن کریم از آن با نام «دخان» (دود) یاد می‌کند، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «سپس بر آسمان ایستاد، در حالی که دود بود» (۹)

و با قدرت خداوند متعال، به واسطه این گاز، دایره‌هایی متشکل از مجموعه‌های گازی پر حجم ایجاد شد که هر مجموعه از آن به دور محوری مشترک در گردش بود. در واقع، این آغاز پیدایش کهکشان بود که شبیه‌ترین چیز به دایره‌های گازی‌ای است که در فضا به دور خود در گردشند.

با گذشت زمان، گازهای هیدروژن در کانونهایی مشخص، گرد هم آمدند. اجزاء فراهم آمده توسط نیروی جاذبه، هر زمان که حجم آنها افزایش می‌یافت و قسم جدیدی از گاز خارجی بر روی آنها توده می‌شد، به شکل انبوه و توده در می‌آمدند که این امر به پیدایش ستارگان در میان این اجزاء منتهی شد. با گذشت زمان، فعل و انفعالات هیدروژنی در ستاره پدید آمد و هیدروژن را به گاز هلیوم مبدل ساخت. با افزایش عمر ستارگان و در نتیجه حرارت بسیار زیاد در داخل آنها و همچنین فشار شدید، فعل و انفعالات هسته‌ای ایجاد شد که هلیوم را به عناصر سنگین بیشتری مبدل کرد. و اگر برای ستاره‌ای چنین مقدر شده باشد که در فضا منفجر شده و سپس اجزاء آن سرد شود، به چیزی شبیه به ستارگان منظومه شمسی - همچون زمین، زهره، و مریخ و... - دست می‌یابیم. اینها حتماً از ستاره دیگری غیر از خورشید به وجود آمده‌اند. چرا که خورشید همواره از گازهای سبک (۹۹٪ هیدروژن و هلیوم) تشکیل شده که دلالت بر آن دارد که خورشید از ابتدای حیاتش، به همین شکل بوده است.

نظریه امام علی (ع) درباره آفرینش جهان هستی و آسمانها

امام علی (ع) درباره خلقت هستی در بخش‌هایی از نهج البلاغه سخن گفته است، که ما از میان آنها خطبه اول و خطبه ۲۰۹ را انتخاب کرده‌ایم. در مجموع این خطبه‌ها امام علیه السلام نظریه‌ای کلی و فراگیر درباره پیدایش هستی ارائه می‌دهد که دانش، به شناخت تمامی جوانب آن دست نیافته است.

ایشان اقرار می‌کنند که اولین خلقت از آن فضا است که خداوند آن را از عدم شکافت و در آن، قسمت‌های مختلف و راه‌های هوا را گشود... سپس خداوند سبحان مایعی متراکم و متلاطم بیافرید و آن را بر پشت بادی نیرومند و سخت حمل کرد تا مانع پراکندگی و نابودی آن شود.

آنگاه خداوند سبحان بادی نازا از نوعی دیگر بیافرید و بر فراز همان مایع مسلط گرداند و شروع به صاف کردن و زیر و رو کردنش نمود؛ تا اینکه همچون مشک آب، آن را به حرکت درآورد و در قسمت‌های مختلف فضا پراکنده‌اش ساخت، و از آن بود که خداوند، آسمانها را خلق کرد.

امام علیه السلام تبیین می‌کنند که باد نازا، آن مایع متراکم را به گازی شبیه به دود تبدیل کرد که آن گاز در فضا منتشر شد و آسمانها از آن به وجود آمدند؛ اما زمین از آن کفی که بر سطح مایع تشکیل می‌شود، تفکیک شده است.

در این مسئله، اشاره پنهانی است به اینکه زمین از عناصر نسبتاً سبکی تشکیل شده است.

زیراکفی که بر سطح مایع بالا بیاید، از هر چیز دیگری سبک تر است.

این نظریه، ایده تشکیل زمین از خورشید را نفی می‌کند. از جمله مواردی که مؤید این مسئله است، آن است که زمین - ظاهراً بر طبق نوشته‌های مندلیف درباره عناصر - حاوی عناصر سبک و سنگین است. در حالی که خورشید همواره از عناصر گازی سبک تشکیل شده و در عمر خود به مرحله‌ای نرسیده است که امکان تشکیل عناصر در آن ایجاد شود. تشکیل زمین پیش تر از خورشید بوده است. پس چگونه می‌تواند از خورشید جدا باشد؟

این بخشهایی از کلام امام علی (ع) درباره خلقت هستی و آسمانهاست. امام علی (ع) در اولین خطبه نوح البلاغه می‌فرماید:

«سپس خداوند سبحان فرو شکافتن فضاها و انشقاق کرانه‌ها و راههای هوا را آغاز کرد. آنگاه آبی با جریان متلاطم در آن جاری ساخت. آبی متراکم و موج. آب را بر پشت باد سخت وزنده و درهم‌شکننده حمل کرد. سپس به باد دستور بازگرداندن آب را داد، تا آن را محکم نگاه دارد و آب را در مرز آن محفوظ داشته و پیوند دهد. هوا در زیر آن آب شکافته شد (یعنی گسترانیده شد) و آب از فراز آن جوشان گشت.»

از این کلام چنین برداشت می‌شود که خداوند سبحان فضا را آفرید (فضا را شکافت)؛ سپس در فضا آب - یعنی مایعی از نوعی خاص - خلق کرد و بعد بادی قوی بر آن مسلط نمود که از زیر آن در جریان بود... این باد همچون بالشی

آن را حمل کرده و مانع فرو آمدنش است (پس دستور به بازگرداندن آن داد). مراد از آب در اینجا همان جوهر سیالی است که اصل و اساس همه اجسام است. سپس امام علیه السلام می‌فرماید:

«آنگاه خداوند سبحان بادی بیافرید که وزشی نازاینده داشت، ماندنش دائمی، حرکتش سخت و برخاستنگاه آن دور بود. پس دستور به جنبانیدن این آب موج و خسروشان، و برانگیختن موج دریاها داد. چنین بود که باد، آب را همچون مشک آبی تکان داد و در فضا سخت وزیدن گرفت؛ چنان که ابتدای آب را به انستهای آن، و قسمت آرام آن را به محلّ پرحرکتش برد، تا اینکه موج شده و آن آب متراکم و موج، کف برآورد. پس خداوند آن کف را در فضای شکافته شده و هوای گسترده و فراخ، بالا برد. هفت آسمان را از آن استوار ساخت که پایین ترین این آسمانها، موجی بازداشته شده از سیلان، و بالاتر نشان سقفی محفوظ و بلند است، بدون ستونی که آن را استوار نگاه دارد و یا میخی و طنابی که آن را محکم بر جای دارد.»

امام علیه السلام اثبات می‌کنند که خداوند سبحان بر این مایع سیالی که بر بادی سخت وزنده حمل شده بود، از طرف بالا بادی دیگر از نوعی خاص که همان باد نازا و شدید است، مسلط ساخت که موجب موج شدن این مایع ذوب‌شونده شد؛ موجی شدید که همچون جنبانیدن مشک آب یا شیر بود. تا آنکه از این آب بخاری همچون دود متصاعد گشت و

خداوند آسمانهای فرازین را از آن خلق کرد و بر روی چنین مایعی، کفی پدید آمد که زمین از آن خلق شده است.

این در حالی است که عدم پرداختن حضرت به خلقت زمین پس از ذکر خلقت آسمانها، دلیلی است بر اینکه خداوند، زمین را قبل از آسمانها خلق کرده است. این قول برخی از مفسرین است. آنها به سخن خداوند متعال در سوره «فصلت»، استدلال کرده اند که می فرماید: «آیا شما نسبت به کسی که زمین را در دو روز خلق کرد، کفر می ورزید و برای او شریک قائل می شوید؟ آن پروردگار جهانیان است.» تا این آیه که: «سپس بر آسمان استوار ایستاد، در حالی که دود بود. و به آسمان و زمین گفت: به پیش آید، چه از روی اطاعت و چه از روی کراهت! آسمان و زمین گفتند: با اطاعت و فرمانبرداری می آییم.»

امام علی^{علیه السلام} در خطبه ۹۱ نهج البلاغه درباره خلقت آسمانها می فرماید:

«و بدون هیچ تعلیقی، گشادگی و تنگی و پست و بلندیها را منظم کرد و شکافهای فراخیاها را به هم آورد و میان آنها و نظایر و قرائینشان پیوندی محکم ایجاد نمود... و آسمان را پس از آن که دودی (متراکم) بود، بخواند. سپس حلقه های کھکشانهای آسمان را به هم پیوند داد و پس از التیام، درهای بسته اش را گشود.»

در این کلام، امام علی^{علیه السلام} به نظریه پیدایش هستی اشاره دارد که یکی از نظریاتی است که امروزه مطرح است و به آن می پردازند. این

نظریه، در واقع چنین است که اولین پیدایش هستی از ذراتی سبک انجام شده که همان دود است. سپس این ذرات در مراکزی مشخص به گرد هم آمده و اجرام را تشکیل داده اند. آسمان، اولین چیزی بود که با اجزایی نامنظم خلق شد. برخی بالاتر و برخی از این اجزاء در سطحی پایین تر قرار گرفتند و خداوند سبحان آنها را نظم بخشید (بدون تعلیقی، گشادگیها و تنگیها و پستیها و بلندیها را نظم داد)، و آن را برگستره ای واحد قرار داد، بی آنکه نیاز به تعلیقی باشد. آن شکافها و فراخیاها را به هم پیوند داد و از آنها جسمی متصل و سطحی صاف و براق به وجود آورد. حتی هر جزئی از این اجزاء را به نظیر و همانند خودش متصل نمود (و بین این اجزاء و اجزاء همانندش پیوند ایجاد کرد).

در این سخن امام علی^{علیه السلام} است که: «حلقه های کھکشانهای آسمان را به هم آورد»، مجموعه های کھکشانها به حلقه هایی تشبیه شده که به واسطه نیروی جاذبه، با یکدیگر مرتبط هستند و میان این مجموعه ها و کھکشانها پس از آنکه بدون هیچ منفذی مسدود شد، درها و راههایی قرار داد. این همان است که امام علی^{علیه السلام} از آن به گشایش پس از التیام تعبیر می کنند، آنجا که می فرمایند: «و پس از التیام، درهای بسته اش را گشود.»

سپس امام علی^{علیه السلام} می فرماید: «و خداوند، بر درهای آنها، حفاظی از شهابهای درخشان قرار داد و آنها را با قدرت خود از فرو افتادن در فضای تهی باز داشت و به آن [آسمان] دستور

داد تا در برابرش، از سر تسلیم باز ایستد.»

اما قول حضرت که می‌فرمایند: «حفاظی از شهابها قرار داد»، اشاره به این است که شهابها در کمین هر کسی هستند که سعی در نفوذ به راههای آسمان داشته باشد. اما قول امام علیه السلام که می‌فرمایند: «آن را از اینکه در فضایی تهی فرو افتد، با قدرت خود نگاه داشت»، یعنی با قدرت خود، ستارگان را از حرکت و جابه‌جایی در آسمان باز داشت (و دستور داد تا از سر تسلیم در برابر امرش باز ایستد). یعنی مراکز و مدارهایشان را نگاه داشت، به طوری که هیچ‌گاه از این مراکز و مدارها جدا نمی‌شوند.

حضرت در خطبه ۲۰۹ می‌فرمایند:

«از اقتدار جبروت او و لطایف بدیع آفرینش، آن است که آب خروشان و متراکم و به هم آینده دریا را خشک و جامد کرد. سپس طبقاتی را از میان آن شکافت و پس از به هم پیوستن آنها، هفت آسمان را از میانشان شکافت. این آسمانها به امر او ثابت مانده و بر مرز خود استوار ماندند.»

این مطلب، تبیینی است برای آنچه که ما پیش‌تر ذکر کردیم، مبنی بر اینکه اصل اجرام، مایعی بوده که از آن به آب تعبیر می‌شود، از بخارش آسمان خلق شده و از کف آن، زمین. سپس زمین پس از سیال بودن، به جسمی جامد و خشک مبدل شده است. (آنگاه از میان آن، طبقه‌ها را شکافت) یعنی از آن مایع طبقاتی را در آسمان خلق کرد و هفت آسمان را پس از پیوستگی و اجتماعشان، از یکدیگر جدا ساخت

و آسمانها و زمین، گروهی واحد را تشکیل دادند. این مطلب، در واقع مصداق سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: «آیا کسانی که کافر شدند، ندیدند که آسمانها و زمین بسته بودند و ما آنها را بازگشادیم؟»^(۱۰)

خلقت آسمان فرودین و خورشید و ماه

درباره خلقت ستارگان و کواکب موجود در آسمان فرودین که از بارزترین آنها خورشید و ماه است، امام علی (ع) در اولین خطبه نهج البلاغه می‌فرمایند:

«سپس (آسمان) را به زیور ستارگان و نور کویکها بیاراست و در آن چراغی فروزان و روشن (خورشید) و ماهی تابان در چرخ گردان و سقف چرخان و لوح متحرک به گردش برخاست.»

این قطعه از کلام، علی‌رغم ایجازش، دلالت بر تعدادی از حقایق می‌کند؛ از جمله:

۱- اینکه ستارگانی ثاقب در آسمان موجود است؛ یعنی ستارگانی که از خود نور ساطع می‌کنند. همچنان که ستارگانی غیرنورانی هم وجود دارد که از نور دیگر ستارگان بهره می‌گیرند (سپس آسمان را به زیور ستارگان و نور و روشنائی ستارگان روشن و تابان بیاراست).

۲- خورشید، چراغی نورافکن است؛ یعنی نور را با قدرتی عظیم، منتشر می‌کند. در حالی که ماه، روشن‌کننده است؛ یعنی نوری را که از دیگری دریافت کرده، منعکس می‌کند؛ و این

شبیبه قول خداوند متعال است که می‌فرماید: «او کسی است که خورشید را روشنایی دهنده و ماه را روشن ساخت.» (۱۱)

۳- خورشید و ماه مانند سایر اجرام در حرکت هستند و در آسمان هیچ ستاره ثابت و بی‌حرکتی وجود ندارد، و این مطلب در این کلام امام علی^{علیه السلام} است که می‌فرماید: «در فلکی متحرک و گردون» و این مصداق قول خداوند است که می‌فرماید: «هر آنچه در فلک است، در مداری شناورند.» (۱۲)

در حقیقت، خورشید دارای دو حرکت است: حرکتی ظاهری که همان حرکت نسبی است و ما آن را از سطح زمین می‌بینیم. به این شکل که خورشید از شرق به سمت غرب می‌چرخد و از این چرخش شب و روز پدید می‌آید. حرکت دوم، حرکت ذاتی است که خورشید همراه با مجموعه خود حرکتی دورانی به شکل حلزون دارد.

۴- دیگر اینکه، قول امام علی^{علیه السلام} که می‌فرمایند: «و سقفی گردان و لوحی متحرک» دلالت بر آن است که این حرکت در بیش از یک نظام اتفاق می‌افتد. ستاره‌ای که در مجموعه خود حرکتی شبه دورانی دارد، با مجموعه ستاره‌ای خود در جریان حرکتی دیگر به دور کهکشانش می‌گردد و کهکشانها با دوران خود، به دور محور فضا و هستی در گردشند. هر یک برحسب آنچه که از موقعیت و سرعت برایش تعیین شده است، چنین گردش را دارد.

۵- همانا در سخن امام علی^{علیه السلام} که می‌فرمایند:

«سقف گردان»، دو اشاره لطیف علمی است. اول اینکه ستارگان آسمان در فضا به شکل کروی یا نامنظم پراکنده نشده‌اند؛ بلکه این ستارگان بر طبق کهکشانهایی که شکل قرصی مسطح به خود گرفته‌اند و ما از آنها با کلمه سقف یاد می‌کنیم، پراکنده شده‌اند. دوم اینکه این کهکشانه علاوه بر حرکت دورانی خود در فضا، بر طبق آنچه که درباره امتداد خاص فضا و گسترش آن بیان کردیم نیز در حال حرکت و صعود هستند و این همان چیزی است که امام علی^{علیه السلام} با لفظ «سقف گردان» از آن یاد می‌کند.

علم زمین‌شناسی

زمین‌شناسی به بررسی طبقات زمین و کیفیت تشکیل آن و تغییراتی که در خلال دوره‌های متوالی زمانی بر آن عارض می‌شود، اختصاص دارد، و از مهم‌ترین آنها، کیفیت شکل‌گیری زمین می‌باشد. یعنی پس از زمانی که زمین از عناصر سیال تشکیل شد، شروع به انجماد و سخت شدن نمود؛ به طوری که دشتها، صحراها، کوه‌ها و دژه‌ها در آن نهاده شد و در کوهها، چشمه‌های پنهان و مخازن آبی تشکیل شد. همه اینها نعمتی است از جانب خدا برای انسان، تا به واسطه داده‌ها و هدیه‌های خداوندی زندگی کند و از آنها برخوردار شود.

خلقت زمین

امروزه دانشمندان، عمر زمین را از زمانی که قشر و پوسته آن به حالت جامد درآمد، بیش از یک

میلیون سال تخمین زده‌اند. و اگر زمین (و همین‌طور سیارگان) بر طبق نظریات مطرح شده، از ستارگان جدا بوده باشد، اولین انفصال زمین در یک وضعیت گاز مانند بوده، سپس به واسطه تشعشعات و به علت حجم اندکش، به سرعت سرد شده و از حالت گاز به حالت سیال درآمده است؛ و در اینجا بود که مواد سنگین مثل آهن، به سمت مرکز آن شناور شدند، در حالی که مواد سبک بر روی سطح زمین بالا آمدند. پس از این مرحله، آن سطح از زمین که در معرض مستقیم قرار داشت، شروع به سرد شدن کرد و اولین منطقه‌ای که سرد شد، براساس متون دینی، منطقه مکه مکرمه و مشرفه بوده است که اولین خانه‌ای بوده که خداوند آن را برای عبادت مردم قرار داد.

ابراهیم مایعی که خداوند متعال آنها را در جو زمین تشکیل داده بود، قادر به فرود آمدن بر سطح زمین نبودند، مگر بعد از آنکه پوسته زمین به حد کافی سرد و منجمد شد و بعد به واسطه آن ابرهای مایع، اقیانوسها و دریاها تشکیل شدند. $\frac{1}{4}$ زمین به علت ارتفاع همچنان خالی از آب باقی ماند که این قسمت، همان است که خشکی‌ها و قاره‌ها را تشکیل داده است. قسمت خشکی در یک منطقه از زمین جمع شده بود. سپس این مناطق از یکدیگر دور شده و قاره‌ها را تشکیل دادند. و هنگامی که پیدایش قاره‌ها بر زمین و همچنین اقیانوسها کامل شد، رودها شروع به حفر مجراهای خود بر روی زمین کردند. املاح زمین را به اقیانوسها، بردند و زمین مراحل کامل

شدنش را با قرار گرفتن جو مناسب برای زندگی طی کرد؛ جو فضایی که مملو از اکسیژن و گاز کربنیک بود. و این چنین، زمین با استقبال موکب زندگی به سعادت رسید.

نظریه امام علی (ع) درباره آفرینش زمین

امام علی (ع) در خطبه ۱۸۴ درباره خلقت زمین می‌فرماید:

«زمین را آفرید و آن را نگاه داشت، بی آنکه خود را بدان مشغول کند؛ و آن را بدون اینکه در جایی قرار گیرد، محکم و استوار ساخت و بی هیچ پایه و ستونی برپا داشت و بدون تکیه گاهی آن را بالا برد، از خمیدگی و ناراستی نگاه داشت و از افتادن و شکافتن باز داشت. میخهای آن را استوار کرد و سدها برگرد آن ایجاد کرد، چشمه‌هایش را لبریز نمود و دره‌هایش را شکافت. آنچه که ساخت، سست نشده و آنچه را که نیرو بخشید، ضعیف نگشته است.

قول امام علی (ع) که فرمودند: «و آن را بدون اینکه در جایی مستقر شود، محکم و استوار ساخت» و نیز کلام بعد از آن، پاسخ به گمان کسانی است که می‌پندارند زمین به دور شاخ گاو و نظایر آن از اوهام و اباطیل می‌چرخد.

امام علی (ع) در خطبه ۹۱ نهج البلاغه درباره صفت زمین و گسترش آن بر روی آب می‌فرماید: «زمین را مملو از موجهای بزرگ و خروشنده و لجه‌های دریای خروشان و جوشان

نمود...» تا به آخر. این مطلب بیان می‌کند که خداوند آب را قبل از زمین خلق کرده، سپس زمین را بر روی آب قرار داده و به شدت آن را فشرده، امواج دریا بعد از جنبش و خروش، ساکن شده و آرام و مقهور جاذبه زمین گشته است. این آبها هم اکنون $\frac{3}{4}$ زمین را پوشانده، که این میزان، جدا از ربع باقیمانده‌ای است که به شکل چشمه‌ساران و چاههای آب در خشکیها نفوذ کرده‌اند. در کلام امام، تفصیلاتی دقیق درباره خلقت زمین وجود دارد که نظریات زمین‌شناسان بدان دست نیافته است.

آفرینش کوهها و سرچشمه‌ها

تا بدانجا که امام علی (ع) می‌فرماید:

«پس چون هیجان آب در گوشه و کنار زمین آرام شد و کوههای بلند و سر به فلک کشیده را بر دوش آن نهاد، چشمه‌های آب را از فراز کوهها بیرون آورد و در شکاف بیابانها و گودالها و زمینهای هموار پراکنده ساخت و حرکات زمین را با سنگهای استوار و کوههای برافراشته و پایدار که از قطعه سنگهای سخت و عظیم ایجاد شده، تعدیل نمود.

زمین به جهت فرو رفتن کوهها در گوشه‌های سطح آن، که در اعماقش نفوذ کرده و بر روی پستیها و دشتهای زمین و بیخ و بن آن واقع شده، از جنبش و حرکت بازمانده و آرام گرفته است. پس فضای میان آسمان و زمین را فراخ کرده و هوا را برای ساکنین آن مهیا نمود و اهل زمین را با تمامی آنچه که بایسته و شایسته

آنها و لازمه زندگیشان بود، آفرید.»

امام علی (ع) در این قطعه، شکل‌گیری کوهها را پس از ساکن شدن آبی که حمل‌کننده زمین بوده، به تصویر می‌کشد. کوههایی که از تمامی اطراف و اکناف زمین آن را احاطه کرده است. ایشان می‌فرمایند:

«زمانی که خداوند متعال کوههای بلند و سر به فلک کشیده را بر روی دوش زمین حمل کرد، چشمه‌های آب را از دامنه‌های آنها شکافت و این سرچشمه‌ها در شکافها و بیابانهای زمین جاری شدند. حرکت زمین به واسطه پیدایش صخره‌های سنگین و کوههای مرتفع تعدیل شد. بنابراین، زمین با فرود آمدن کوهها در اجزاء سطح آن و دخول در اعماق زمین ساکن گردید... سپس خداوند سبحان فضایی فراخ برای زمین قرار داد که پایین‌ترین آن، محلی برای حرکت و جریان هوایی است که با نسیم خمود مخلوقاتی را که خداوند بر روی زمین آفریده، راحتی و آسایش می‌بخشد و تمامی نیازمندیهای آفریدگان را نیز برایشان مهیا می‌سازد.»

در این کلام، حقایق علمی شایسته تأملی وجود دارد که از آن جمله است:

- ۱- خداوند سبحان، در کوهها مخازن آبی را خلق کرده که چشمه‌ها از آن جاری می‌شود.
- ۲- سطح زمین در خلال تشکیل شدنش دستخوش حرکت و جنب و جوش بوده است و خداوند زمین را به واسطه کوههای بلند و مرتفع که در قشر آن نفوذ کرده، ثابت نموده است.

بنابراین زمین قبل از جامد شدنش، گستره‌ای پر حرکت و جنبش بوده و اولین چیزی که از زمین منجمد شده، کوهها بوده است که آن را از حرکت باز داشته است.

۳- از جمله این حقایق علمی، حقیقتی است که علم نوین زمین‌شناسی درباره ترکیب کوهها کشف کرده است و این حقیقت آن است که هر کوهی، میخمانندی در زمین دارد که آن را از ریزش و فرو ریختن نگاه می‌دارد و توسط این کوهها طبقات زمین از انفکاک و تحرک حفظ می‌شوند. این وسیله محکم، بیشتر از هر چیزی به میخی فولادین می‌ماند که سنگهای معدنی پهن را می‌شکافد. این میخ اجزای زمین را نگاه می‌دارد و اگر چنین نبود، زمین به همراه اهل آن به حرکت درمی‌آمد و سطح آن به‌طور مداوم دستخوش تبدیل می‌شد. بنابراین، وجود کوهها به انسان فرصت زندگی‌ای برقرار و بادوام را بر سطح زمین می‌دهد.

مسخر گرداندن چشمه‌ها و ابرها برای زندگی نبات و انسان

امام علی (ع) پس از آن می‌فرمایند:

«سپس زمین بی‌گیاها را که آب چشمه‌ها از رسیدن به بلندیه‌های آن، ناتواند و جویبارها از رسیدن به آن عاجز، رها نکرده است. برای این زمینها ابرهایی را پدید آورده که زمینهای مرده را زنده می‌سازد و گیاهان آن را بسیرون می‌آورد.»

تا آنجا که امام علی (ع) می‌فرمایند:

«پس هنگامی که ابر (مانند شتر سنگین بار که سینه بر زمین می‌نهد) سینه خود و اطراف آن را بر زمین افکند (باران بارید) و آب فراوانی را که در برداشت، فرو ریخت، خداوند متعال از زمینهای خشک، گیاهها را و از کوههای خالی، علفهای تازه و تر را رویانید. پس زمین به زینت باغها، شکوفا و زیباگشت و به آنچه که در آن روییده و به آن آراسته گردیده - از قبیل شکوفه‌ها و گل‌های درخشانده و تازه - فخر و خودنمایی نمود و حق تعالی آن گیاهها را توشه مردم و روزی چهارپایان قرار داده است.» (۱۳)

امام علی (ع) در این قطعه به وصف برخی از مظاهر قدرت الهی و عنایت ربّانی پرداخته و درباره آنچه که خداوند بر روی زمین برای مخلوقات مسخر گردانیده، توضیح داده است؛ از قبیل آبی که هیچ یک از مخلوقات از آن بی‌نیاز نیست. برای مخلوقات، شکافها و حفره‌هایی از جانب چشمه‌های آب ایجاد کرده است که جویبارها و رودها از آن شکل می‌گیرند و در زمستان پر و لبریز می‌گردند تا در طول تابستان جوشش آنها ادامه یابد؛ سپس آبی گوارا و سرد و روان بر روی زمین پدید آید که به شکل دریایی که از آن نشئت می‌گیرد، نیست... بعد از آن، خداوند سبحان نعمتهایش را در همه مناطق زمین پراکنده ساخت. به برخی مناطق چشمه‌ها و آبهای زیر زمینی عطا کرد و در عوض به برخی دیگر ابرهایی عطا نمود که با آنها و بارانهایی که گاه‌گاه بر زمین می‌بارد، زمین را بهره‌مند ساخته و بخشش را مبذول می‌دارد.

سپس امام علیؑ کیفیت نزول باران‌ها را از این ابرها به تصویر می‌کشد تا آن زمان که بار سنگین خود را حمل می‌کند (منظور باران است) و بر فراز زمین خشک فرو می‌ریزد. بدین ترتیب، به ناگاه آن قطعه از زمین خشک و پژمرده به تپه‌ای سرسبز و تازه مبدل می‌شود که مملو از انواع علفهای تازه و گیاهان مختلف و باغهای رنگارنگ است که با گل‌های خود، جلوه‌نمایی می‌کند و با گردنبندهایی از شکوفه‌های سحرانگیز، بر خود زیور می‌بندد... همه اینها رزق و روزی‌ای است برای چهارپایان و اموری مکفی برای فرزندان آدم.

در آخر خطبه ۲۰۹، امام علیؑ به چگونگی پیدایش سحابها و ابرها از آب دریا و از طریق وزش بادهای می‌پردازد و می‌فرماید:

«پاک و منزّه است خدایی که آن را پس از خروش آبهایش نگاه داشت و پس از رطوبت کراته‌هایش جامد کرد. برای آفریدگانش آن را همچون گهواره قرار داد و برای آنها بستر زمین را بگسترانید، بر فراز دریایی عمیق که بر جای است و روان نیست و ایستاده است و در حرکت نیست. بادهای سخت و طوفانرا این آبها را پراتگیزاند و ابرهای پراکنده آن را چون مشک بچنانند. (به راستی که در این عبرتی است برای کسی که بیم دارد.) در حقیقت، ابرهایی که خداوند آنها را از سر رحمت بر بندگان برمی‌انگیزاند، از طریق تراکم بادهای بر روی طبقات سطحی دریاها و اقیانوسها ایجاد می‌شوند. گویا با آنها بازی می‌کنند و همچون

مشک آن را می‌چنانند، در حالی که با خود بخار آب و ذرات آن را در مقادیر بسیار حمل می‌کنند. سپس به سمت آسمان بالا می‌روند و آن را به سمت زمین تشنه برده و حفظ می‌کنند و به سوی کوههای بلند برده و حفره‌ها و مخازن آن را پر می‌کنند.

علی رغم تعداد فراوان، این ابرها باران و قطره‌ای فرو نمی‌ریزند، مگر در جایی که خدا خواهد؛ و در زمانی که خداوند سبحان اراده کند، پس به واسطه آن هر کس را بخواهد، بهره‌مند می‌سازد و آن را از هر کس که بخواهد، دور می‌کند و برمی‌گرداند. «همانا در این مطلب پند و عبرتی است برای خردمندان»، (۱۴)

پی‌نوشت‌ها

- ۱- سوره نور، ۳۶.
- ۲- فتح‌الملک، بصحّة حدیث باب مدینة العلم العلی، نوشته امام محدث احمدبن محمد صدیق مغربی.
- ۳- نهج‌البلاغه، خطبه ۳۳۱.
- ۴- سوره یونس: ۱۰۱.
- ۵- سوره فصلت: ۵۴.
- ۶- سوره واقعه: ۵۶.
- ۷- سوره ملک: ۵.
- ۸- سوره ذاریات: ۵۱.
- ۹- سوره فصلت: ۱۱.
- ۱۰- سوره انبیاء: ۳۰.
- ۱۱- سوره یونس: ۵.
- ۱۲- سوره انبیاء: ۳۳.
- ۱۳- ر.ک: نهج‌البلاغه، ترجمه فیض الاسلام.
- ۱۴- آل عمران: ۱۳.